

## مقایسه‌ی گفتمان جبهه مقاومت اسلامی

### و گفتمان نظام سلطه در غرب آسیا

یونس خداپرست<sup>۱</sup>، سلمان زعیمی نژاد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

**چکیده:** هدف اصلی در این نوشتار، مقایسه‌ی گفتمان جبهه مقاومت اسلامی و گفتمان نظام سلطه در غرب آسیا است. در تجزیه و تحلیل موضوع از روش مقایسه‌ای با ابزار نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه استفاده می‌کنیم. در پاسخ این فرضیه طرح می‌شود که دو الگوی مورد بحث، به لحاظ تصویری، تلقی و تعریف متفاوتی از دستگاه محاسباتی داشته و به لحاظ تصدیقی در حوزه‌های رهبری، راهبرد، ائتلاف، دستگاه محاسباتی، وحدت، روش و اهداف تفاوت‌های اساسی دارند. با توجه به فرضیه پژوهش، نتایج تحقیق حاکی از این است که از لحاظ تصویری و تصدیقی دستگاه محاسباتی در این دو الگو، جز در پاره‌ای از موارد شکلی، متفاوت و متباین است. بنابراین راهبرد مقاومت فعال و دفاع مشروع راهکار جبهه مقاومت در برابر راهکار نظام سلطه یعنی؛ راهبرد مداخله‌گرایی، تجاوز و هزار زخم، تغییر نظام محاسبه و اختلال در دستگاه محاسباتی ایران و مقاومت-اسلامی است. بطور اساسی افول مرحله‌ای استکبار امریکا در غرب آسیا با «تقویت جبهه مقاومت» و «مداخلات ژئوپلیتیکی پرهزینه و کاهش موفقیت‌های تاکتیکی امریکا بخاطر ایجاد بحرانهای منطقه‌ای، افزایش مداخله-گرایی، گسترش یک‌جانبه‌گرایی و جنگ‌های بی‌پایان در محیط منطقه‌ای غرب آسیا» اجتناب‌ناپذیر است.

**واژگان اصلی:** گفتمان، نظام سلطه، غرب آسیا، جبهه مقاومت اسلامی، نفی سیل.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

## مقدمه

غرب آسیا در طول یک قرن اخیر بحران‌زا و میدان بازی بین بازیگران مختلف بوده است، چرا که دوسوم نفت جهان (نفت همانند خون در رگهای اقتصادی جهان می‌باشد)، چهل درصد گاز جهان، بیشترین آبراه‌های بین‌المللی همانند تنگه هرمز، کانال سوئز و تنگه باب‌المندب، ریشه تمام ادیان بشری اسلام، مسیحیت، زرتشت، یهود، بودا و هندو، اولین تمدن بشری و بهترین بازار فروش تسلیحات و کالاهای اروپا و آمریکا و بهترین بازار برای فروش تولیدات اروپا غرب آسیا است و هدف این کشورها منفعت‌طلبانه، غارتگری و سلطه‌گری است. اما انقلاب اسلامی توازن را به هم زد و بازی جدیدی بر اساس منطق مقاومت را مطرح نمود که ذات و کنه آن اقدامی جهت بازگشت به خویشتن یعنی اسلام، در مقابل پروژه غرب‌سازی بود تا به نوعی هویت‌اسلامی ایرانیان را زنده کرده و آنان را از سرگشتگی میان ایسم‌ها و مکتب‌های دروغین‌رهایی بخشد. به واسطه همین خصوصیت بود که به فرموده امام‌خامنه‌ای «انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دو گانه جدید «اسلام و استکبار» پدید برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد» (بیانیه گام‌دوم - انقلاب، ۱۳۹۷: ۵)

همین امر باعث شده استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر سلطه‌جویی یکی از شاخصه‌های حرکت انقلابی مردم ایران در انقلاب ۱۳۵۷ باشد. اکنون بعد از گذشت چهار دهه، ایران الگوی موفق مقاومت و نظریه مقاومت است. بنابراین بر اساس گام دوم انقلاب اسلامی یکی از ملزومات ایجاد تمدن نوین اسلامی، گفتمان مقاومت مبتنی بر منطق و عقلانیت‌انقلابی در برابر گفتمان سلطه‌گری، منطق و عقلانیت‌ابزاری و مادی غرب است. در این راستا پرسش اصلی این است که وضعیت حال و آینده جبهه مقاومت در تقابل با نظام استکبار چگونه است؟ در پاسخ این فرضیه طرح می‌شود که منطق محاسباتی در دو الگوی مورد بحث، به لحاظ تصویری و تصدیقی در حوزه‌های رهبری، راهبرد، ائتلاف، دستگاه محاسباتی، وحدت، روش و اهداف تفاوت اساسی دارند.

هدف از این پژوهش، تبیین مقایسه‌ی گفتمان جبهه مقاومت اسلامی و گفتمان نظام سلطه در غرب آسیا است. این هدف از آنجا ناشی می‌شود که منوط به سابقه نیست و هیچ ادبیات پژوهشی وجود ندارد که موضوع فوق را تبیین کرده باشد، لذا نتایج پژوهش حاضر می‌تواند هم از نوع بنیادی بوده و به تولید محتوا بپردازد و هم از نوع کاربردی، دستگاه سیاست‌ خارجی از وظایف خود در تحقق گام دوم بر اساس منطق محاسباتی آگاه شوند.

## ۲. چارچوب نظری

روش مورد استفاده در این نوشتار روش مقایسه‌ای-تحلیلی با کمک گرفتن از نظریه گفتمان است. در روش مقایسه‌ای آنچه مورد نظر است شامل نمونه‌هایی می‌گردند که از برخی جهات شبیه هم و از برخی جهات با یکدیگر در تمایز هستند. سارتوری بر این باور است که مقایسه سیستم‌ها، سیاست‌ها و جوامع به معنای شناسایی موارد تشابه و تمایز از یکدیگر است و پژوهشگر به دو هدف اساسی دست می‌یابد: هدف اول یافتن نقاط اشتراک در موارد مورد مطالعه است که محقق را در تدوین نظریه‌ها یاری می‌کند. هدف دوم گونه‌شناسی است که بر آمده از غیر مشترک پدیده مورد تحقیق است؛ یعنی با مطالعه نقاط اختلاف مصادیق یک پدیده انواع مختلف آن پدیده را شناسایی کند (هرسیچ، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۱). در این راستا ابزار روش مقایسه‌ای برای تحلیل موضوع این نوشتار نظریه گفتمان است. در بین نظریه‌های تحلیل گفتمان، الگوی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه چارچوب تحلیلی مناسبی برای تشریح موضوع این نوشتار است.

### ۲-۱- نظریه گفتمان

در نظریه گفتمان رویکردهای مختلفی وجود دارد ولی کاربردی‌ترین رویکرد آن در حوزه سیاست، رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است. لاکلا و موفه متأثر از زبان‌شناسی فرینادو سوسور معتقدند که « هر عمل و پدیده‌ای برای معنا دار شدن و قابل فهم شدن باید درون نظام گفتمان قرار گیرد» (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۰). بنابراین از لحاظ این نظریه، گفتمان، یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفرینند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰). در این راستا ضرورت دارد که دو مفهوم اساسی نظریه گفتمان بر اساس موضوع نوشتار در زیر توضیح دهیم:

**هژمونی!** هژمونی مفهوم اساسی لاکلا و موفه محسوب می‌شود و بر این باور هستند اگر مدل‌های خاصی به دالی نزدیک شود آن دال هژمونیک می‌شود و با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، کل آن گفتمان به هژمونی دست پیدا می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۳). هژمونی در نظام بین‌الملل به توانمندی ابتکاری یک دولت قدرتمند در شیوه مدیریت جهانی و برتری بدون منازعه آن اطلاق می‌شود که از منابع اقتصادی، نظامی، ایدئولوژیک و سیاسی لازم بهره‌برداری می‌کند.

**خصوصیت ۱:** مطابق نظریه گفتمان ضدیت بدین علت رخ می‌دهد که «کسب یک نوع هویت کامل توسط کارگزاران و گروه‌ها امری غیر ممکن است و این بدین علت است که حضور دشمن در یک رابطه خصمانه از کسب هویت توسط دوست جلوگیری به عمل می‌آورد» (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۵).

در این راستا لازمه شکل‌گیری یک گفتمان وجود گفتمان غیر است، گفتمان مقاومت بر اساس انقلاب اسلامی غیریت را گفتمان «لیبرالیسم» یا لیبرال‌دموکراسی نظام سلطه غرب قرار داد. به تعبیر دیگر حضرت امام با بازتعریف گفتمان اسلام ناب‌محمدی (ص) از منازعه خرده‌گفتمان‌ها در درون جهان اسلام جلوگیری و رقیب هویتی و گفتمانی خود را نظام سلطه قرار داد. در این راستا امام-خمینی (ره) با اعلام روز جهانی قدس فرمودند: «اگر همه مسلمینی که در دنیا الان هستند... همه... فریاد بکنند مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و... برای آنها مرگ می‌آورد» (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۸۱-۸۰). همچنین گفتمان غرب نیز برای پویایی نیاز به گفتمان رقیب دارد که قبلاً این رقیب سوسیالیسم بود اما با فروپاشی آن، گفتمان مقاومت اسلامی جایگزین شده. آمریکا بعد از انقلاب بخصوص یک دهه اخیر بدترین تحریم‌های ممکن را با هدف شکستن روح انقلاب که همان اسلام است، خصوصیت خود را نسبت به جبهه مقاومت به اوج رسانده است.

## ۲-۲- جبهه مقاومت به مثابه گفتمان

لفظ مقاومت در بیانیه گام‌دوم ۹ (الگوی مقاومت، نیروهای مقاومت، اقتصاد مقاومتی، دفاع از مقاومت، مقاومت، پرچم مقاومت در منطقه، ایستادگی در برابر قلدان، زورگویان و مستکبران) مرتبه بکار رفته است. دیدگاه مقاومت فعال مقام معظم رهبری در راستای فرهنگ «مامی‌توانیم» امام خمینی (ره) و منطق قرآنی و اسلامی همانند سوره آل‌عمران آیه ۱۳۹، سوره فاطر آیه ۱۰ و قاعده نفی سبیل است. مقاومت اسلامی در اصطلاح، به معنای عام شامل هر نوع مقاومتی که بر اساس آموزه‌های اسلامی در مقابله با تهاجم دشمنان اسلام در هر مکان و هر زمان شکل می‌گیرد. اما به معنای خاص عبارتست از مقاومت کشورها، سازمانها، گروه‌ها و افراد، بر اساس اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه آمریکا و متحدان آن که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و همسو با این انقلاب، در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل تبلور

یافت. در این نوشتار منظور، همان «محور مقاومت اسلامی» در اصطلاح خاص می‌باشد که شناخته‌شده‌ترین اجزاء آن ایران، حزب الله لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین، انصارالله در یمن، مردم عراق، سوریه و بحرین است.

البته انقلاب اسلامی از همان آغاز پیروزی و حتی پیش از آن تشکیل جبهه منسجمی از ملت‌ها را بر اساس بیانات رهبران انقلاب اسلامی مد نظر قرار داده است. خطاب‌هایی که حضرت امام خمینی «ره» با عباراتی مثل «هان ای مستضعفین بپا خیزید...» یا «اسلام سنگرهای کلیدی دنیا را فتح می‌کند» و «ما به دنبال راه سومی - در مقابل راه غرب و راه شرق - در دنیا هستیم» و غیره ناظر به همین معنا بودند. در دوره حضرت امام، مفهومی به نام جبهه مقاومت شکل گرفت و فرهنگ آن تولید و وارد ادبیات جهانی شد. بعضی جریانات منحرف در ایران در این دوره با ادبیات یا اقدامات خاص تلاش کردند تا چهره‌ای انحرافی از مقاومت و جریان مقاومت نشان دهند که موفقیت چندانی نداشتند. در واقع به نظر می‌آید آمریکایی‌ها برای آنکه تشکیل جبهه مقاومت را در نقطه خفه کنند، به این جریانات نزدیک شده و در صدد برآمدند از ظرفیت و نفوذ آنان برای متوقف کردن روند شکل‌گیری جبهه مقاومت استفاده کنند. اما، در نقطه مقابل خط تشکیل جبهه مقاومت در بیانیه‌ها، زبان و قلم امام همچون اسفند ۶۷ و فروردین ۶۸، بسیار پررنگ بود و در «تولید ادبیات» جبهه مقاومت گام‌های اساسی و محکمی برداشته شد.

امام خامنه‌ای که در دوره ریاست‌جمهوری خود ارتباط ویژه‌ای با سازمان‌های انقلابی دینی منطقه نظیر حزب‌الله لبنان و بدر عراق داشتند، از اول رهبری‌شان در صدد برآمدند برای تشکیل جبهه مقاومت، سامانه‌ای را پدید آورند و در عمل هم حدود یک‌سال و اندی پس از آن، جبهه مقاومت را در سال ۱۳۶۹ در دو سامانه داخلی و خارجی طراحی کردند. سامانه داخلی تبدیل واحد یا معاونت بسیج در سپاه به «نیروی مقاومت» بود و سامانه خارجی آن تبدیل واحد نهضت‌های سپاه - که البته مدت‌ها تعطیل بود به «نیروی قدس» بود. در این طراحی هم بسیج و هم نیروی قدس، سازمان‌هایی چندبعدی و در واقع سازمان‌هایی فراگیر و با کارکردهای سیاسی، نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، اجتماعی و... دیده شدند. امام خامنه‌ای در یکی از فرمایشات خود - نقل به مضمون - فرمودند «نیروی قدس یک نیروی نظامی یا یک نیروی اطلاعاتی یا یک نیروی خدمات‌رسان یا یک نیروی دیپلماتیک یا یک نیروی اقتصادی یا یک نیروی سیاسی نیست. برای همه این‌ها سازمان‌هایی مثل ارتش، وزارت اطلاعات، وزارت بازرگانی، وزارت خارجه، وزارت اقتصاد و

وزارت کشور وجود دارد. نیروی قدس باید همه این ابعاد را دربر بگیرد». بنابراین به عبارتی می‌توان گفت حضرت امام در سطح گفتمان، جبهه مقاومت را مطرح کرد و جبهه مقاومت از لحاظ تأسیسی در سال‌های آغازین رهبری امام خامنه‌ای و در سطح بین‌الملل پدید آمد، رهبری در طول این سه دهه به تشریح ابعاد، نتایج، بایدها و نبایدهای این جبهه پرداخته‌اند که در تولید ادبیات جبهه مقاومت بسیار مؤثر بوده است (روزنامه کیهان، ۱۴۰۰/۹/۱۲).

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی استکبار امریکا و رژیم صهیونیستی نقش تخریبی (مانند تئوری اقلیم را به منظور تقسیم کردن کشورهای اسلامی به اقلیم‌های کوچک، طرح خاورمیانه بزرگ و دوگانگی جنگ یا مذاکره (سازش و تسلیم) را در غرب آسیا و نقش تنظیمی با اروپا و قدرتهای بزرگ بازی می‌کنند. در مقابل جبهه مقاومت از نگاه امام خامنه‌ای در آبان ۱۳۹۷ دوگانه نه جنگ و نه مذاکره و سازوکار نظریه مقاومت را مطرح کرد (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۸/۱۲) و در سالگرد ارتحال امام خمینی «ره» منطبق مقاومت فعال را به عنوان راهکار بیان نمود و در برابر راهبرد ظالمانه دشمن، از عزت ملی جامعه ایرانی دفاع کرد، گرچه هزینه مقاومت تحریم و فشارهای اقتصادی است اما هزینه تسلیم بیشتر از مقاومت است. در صورتی که مقاومت یک امر ممکن می‌باشد و در برابر خطای بزرگی که تصور «مانمی‌توانیم» را در مقابل دشمن مطرح می‌کند، ایده «مامی‌توانیم» را تبیین می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

### ۲-۳- نظام سلطه به مثابه گفتمان

ذات نظام سلطه برتری خواهی و خود بزرگ‌بینی و عدم تمکین و تواضع در برابر فرمان خداوند و انبیای الهی است که در آیات و روایات بسیار توییح شده هست. بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، جهان شاهد نوعی آرایش جدیدی از نظام سلطه به رهبری امریکا است. در نگاه امام خمینی «ره» مستکبرین منحصر به سلاطین و رؤسای دولت‌های ستمگر نیست، بلکه معنایی اعم دارد یک مصداق آن مستکبران خارجی در نظام بین‌المللی‌اند که حاضرند تمام ملت‌ها مورد تجاوز و ستم قرار دهند و مصداق دیگر آن، دولت‌های ستمگری هستند که ملت و مردم خود را به استضعاف مادی و معنوی کشانده‌اند (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۲۱).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم سه بار به واژه استکبار و پنج بار به واژه مستکبر اشاره داشته و در بند یازدهم بیانیه، تقابل دوگانه‌ی جدید - اسلام و استکبار - پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر می‌داند. در این زمینه ایشان در تاریخ ۲۱/۰۷/۱۳۹۸ طی بیاناتی در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)، به خطبه آن حضرت در مورد مقابله با سلطان جائراشاره داشته و

خاطر نشان می‌کنند که «سلطان فقط به معنای پادشاه نیست؛ سلطان یعنی قدرت؛ امروز سلطان، جبهه‌ی کفر و استکبار است، جبهه‌ی صهیونیسم و آمریکا است؛ این سلطان است». رهبر انقلاب در این سخنرانی، جبهه صهیونیسم و آمریکا را مصداق نظام سلطه معرفی کرده و مبارزه با آن را یک تکلیف می‌داند. البته در منطقه غرب آسیا، عربستان، مهمترین متحد نظام سلطه، و در حدود چهار دهه گذشته پیوسته در مقابل محور مقاومت، قرار داشته است. بنابراین یکی از بایدهای گفتمان مقاومت اسلامی مواجهه با نظام سلطه است چرا که همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا دشمن مقاومت اسلامی‌اند؛ چون مقاومت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است.

### ۳. وضعیت موجود گفتمان مقاومت اسلامی و گفتمان نظام سلطه

در سطح منطقه با پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) فرمودند: «...ما تا آخر عمر علیه دولت آمریکا مبارزه می‌کنیم، و تا آن را به جایش نشانیم و دستش را از منطقه کوتاه نکنیم، و به تمام مبارزان راه آزادی کمک نکنیم تا آنها را شکست دهند... از پای نمی‌نشینیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۵). بنابراین گفتمان مقاومت به عنوان مهمترین رقیب خرده گفتمان‌های منطقه‌ای حضور یافت که این تنازع منطقه‌ای تابعی از غیریت‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی با دو بلوک شرق و غرب بود و فضای خصومت گفتمان‌های وابسته به گفتمان لیبرالیسم و کمونیسم کمرنگ و تمرکز منازعات به سمت گفتمان انقلاب تغییر جهت داد به گونه‌ای که طی جنگ تحمیلی هشت ساله، همه خرده گفتمانهای منطقه، با حمایت دو بلوک هژمون در کنار صدام و حزب بعث عراق علیه ایران ایستادند. اما امام خمینی «ره» برای ایجاد آرامش در کشور فرمود: «دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۲۳) و در پیامی به ارتش و مردم عراق صدام را دست پرورده آمریکا خواند که به دستور آنها به جنگ با اسلام آمده و در نهایت عراق را به ویرانه تبدیل خواهد کرد. با فروپاشی گفتمان کمونیسم، افول ناصریسم و ناکامی‌های رژیم بعث، ماهیت خصومت که بیشتر از نوع جنگ نرم بود، تنازع گفتمان‌های لیبرال‌دموکراسی (نظام سلطه) و مقاومت را شکل داد. آمریکای پس از کنار رفتن رقیب جنگ سرد خود، رهبری ائتلاف بین‌المللی برای بیرون راندن نظامیان صدام از کویت را برعهده گرفت. صدام عقب‌نشینی کرد و پایگاه‌های نظامی آمریکا در کویت، عربستان، قطر و بحرین مستقر شد. حکومت‌های شخصی عرب در نبود مشروعیت داخلی امنیت و بقای خود را به آمریکا گره زدند.

آمریکای دهه نود به دنبال یک دشمن جدید می‌گشت تا استراتژی امنیت ملی خود را بر مبنای این دشمن پایه‌ریزی کند. یازدهم سپتامبر سیاست خارجی آمریکا را در یافتن دشمن و تهدید جدید از

سرگردانی خارج ساخت. افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ اشغال شدند. اکنون بعد از گذشت دو دهه از یازدهم سپتامبر، جنگ در افغانستان و عراق دو برابر بیشتر از هزینه‌های جنگ ویتنام است. در این زمینه در منطقه، گفتمان سلفیسم با حمایت گفتمان لیبرال‌دموکراسی نظام سلطه کوشید تا با ایجاد خرده‌گفتمان تکفیریسلم روند افزایش دامنه هژمونی جبهه مقاومت را متوقف کند. خرده‌گفتمان تکفیریسلم شامل القاعده، داعش، النصره می‌باشد که غیر خود را تشیع و اسلام‌سیاسی یا جبهه مقاومت می‌دانند. به عبارت دیگر تکفیریسلم عربستان به غیریت‌سازی با گفتمان مقاومت پرداخت.

بطورکلی بعد از انقلاب اسلامی، ایران حضور آمریکا در منطقه را یک چالش امنیتی، ایدئولوژی (صلح خاورمیانه در بحث فلسطین و روز جهانی قدس) و ژئوپولیتیک (شریانهای انرژی همچون نفت و گاز) می‌داند و آمریکا مخالف هژمونی محور مقاومت در منطقه غرب آسیا است. در صورتی که امام‌خامنه‌ای در بحث ایدئولوژی راهبرد نرمش قهرمانه را در قالب رفراندوم در حوزه فلسطین بکار برد. همچنین برخورد ایران با داعش به سود همه کشورهای منطقه، و ناشی از قدرت منطقه‌ای ایران است. اما نظام سلطه با نگاه راهبردی در پازل سیاسی امنیتی خود درصدد است بر اساس دکترین گالیور، کشورهای منطقه تجزیه کند.

در چند دهه اخیر برتری آمریکا در غرب آسیا یکی از نقاط تقویت کننده هژمونی این کشور بوده است. اما جبهه مقاومت در خاورمیانه، این منطقه را تهدیدی برای نظام سلطه کرده است. در این باره «جان مرشایمر» نظریه‌پرداز آمریکایی، طی کنفرانسی در روسیه، کشورش را در غرب آسیا، نه یک «هژمون نظم و ثبات» بلکه «هژمون مرگ» توصیف کرده و گفته آنچه آمریکا از سال ۲۰۰۱م در عراق، سوریه، لیبی و افغانستان انجام داده است نه صلح و رفاه، بلکه هژمونی مرگ و تخریب ایجاد کرده است. از جمله مسائلی که بارها توسط رهبر انقلاب به آن اشاره شده، مسئله شکست بی‌درپی آمریکا در مناطق مختلف با انقلاب اسلامی است. بنابراین از نگاه مرشایمر «بهترین راه برای آمریکا بیرون ماندن از خاورمیانه است. مردم آن منطقه خودشان باید سیاست‌شان را اداره کنند. آمریکا می‌خواهد مطمئن شود که نفت در کنترل کسی نباشد و این هدف را باید داشته باشد. ما باید نیروهای خود را خارج نگه داریم و در شرایط اضطرار [با هدف تأمین امنیت نفت] آن‌ها را وارد میدان کرده و سپس خارج کنیم. ما نباید چیزی شبیه دکترین بوش را در خاورمیانه دنبال کنیم» (سایت برهان، ۱۵/۱۰/۹۵). از سوی دیگر دولت ترامپ با سیاستهای جدیدش از جمله اقتصاد ناسیونالیستی موجب سرعت زوال



آمریکا شده است و تقابل دولت آمریکا با کشورهای دیگر از جمله چین را شاهد هستیم و اعتبارش به خاطر جنگ‌های متعدد در افغانستان، عراق، لیبی و حمایتش از سعودیها در یمن مخدوش شده است. بطورکلی هر چه هژمون از اقتدار بیشتری برخوردار باشد از اقناع و پاداش بیشتر گرایش پیدا می‌کند و هر قدر در تلاشهایش برای اقناع ناکام‌تر باشد و کاهش منابع قدرتش امکان استفاده از پاداش را به آن کمتر بدهد، بیشتر به سمت زور حرکت می‌کند. همچنان که آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م بر اساس سیاست‌های یکجانبه‌گرایی هژمونی بدخیم یا استبدادی خود را به نمایش گذاشته، این نشانه زوال هژمون است. شولر در کتاب «Deadly Imbalances» به این موضوع اشاره دارد که آمریکا محور اصلی سیاست خود در جنوب غرب آسیا را بر اساس یکجانبه‌گرایی قرار داده است و این سیاست، چالش‌های امنیتی آمریکا در محیط منطقه‌ای افزایش خواهد داد. سیاست آمریکا در سال‌های دهه ۱۹۹۰ به بعد بر اساس یکجانبه‌گرایی فزاینده شکل گرفته و در نتیجه بحران‌های معطوف به افول آمریکا تحت تاثیر مداخله‌گرایی افزایش یافته است (Schweller, 1998:22). در این راستا بعد از اشغال عراق و افغانستان نشانه‌های بحران منطقه‌ای شکل گرفت و هر یک از این بحران‌های منطقه‌ای زیرساخت‌های مربوط به جبهه مقاومت را بوجود آورد (دیویتاک، ۱۳۹۱: ۹۱)

جبهه استکبار با مداخله‌گرایی و جنگ‌های نیابتی در غرب آسیا چالش معطوف به افول را بوجود آورده است. چالش‌های معطوف به افول در دوران بحران‌های گسترش یابنده و جنگ‌های فرسایشی شکل می‌گیرد. چالش امنیتی آمریکا در فضای متضاد است که از یک سو نیازمند گسترش مداخله‌گرایی بوده و از سوی دیگر، چنین مداخلاتی منجر به افزایش هزینه‌های راهبردی آمریکا می‌شود. در این راستا ایران در دوران بعد از اشغال عراق توسط آمریکا و بحران‌های ناشی از بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی عراق درصدد برآمد تا خلاء قدرت منطقه‌ای را ترمیم نماید. اقدام ایران با واکنش کشورهای منطقه‌ای و گروه‌های هویتی متعارض روبه رو شد.

#### ۴- تفاوت‌های گفت‌وگویی دو جبهه مقاومت اسلامی و نظام سلطه

بر اساس نظریه گفت‌وگوهای تمایزات دو جبهه مقاومت اسلامی و نظام سلطه در حوزه‌های رهبری، راهبرد، اتحاد و ائتلاف، نیروهای مسلح و اهداف به شرح زیر قابل تبیین است.

##### ۴-۱- تفاوت منشأ قدرت دو گفت‌وگو

اگر منبع قدرت نظام سلطه ابزارهای مادی و تکیه بر انبوه ذخایر تسلیحاتی و سلاح‌های کشتار جمعی بوده است منبع و منشأ قدرت جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت الهی می‌باشد که در گام اول انقلاب در صحنه‌های گوناگون متبلور شده است، آنجا که در تجاوز آمریکائیان

به صحرای طبس طوفان شن، ماشین عظیم تکنولوژی آمریکا را به شکست کشاند. همچنین خرمشهر را از دست صدامیان آزاد نمود که امام بزرگوار فرمود: «شن‌ها و طوفان مامور خدا بودند» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۳۸۰) و «خرمشهر را هم خدا آزاد کرد». (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۱۸-۳۱۹) بنابراین این دستگاه محاسباتی توحیدی همچنان پشتیبان قدرت منحصر به فرد محور مقاومت بوده است.

در این راستا از جمله مسائلی که بارها توسط رهبر انقلاب به آن اشاره شده، مسئله شکست پی‌درپی آمریکا در مناطق مختلف با انقلاب اسلامی است و اکنون با تحکیم اراده سیاست خارجی کشور، گفتمان مقاومت تثبیت شده و اعتبار ظاهری کشورهای متحد آمریکا، نظیر عربستان، امارات، بحرین و غیره تضعیف شده است. همچنین پیگیری یک نظم منطقه‌ای مبتنی بر «مقاومت» ضمن توسعه نفوذ ایران به شکل مستمر، گزینه‌های آمریکا را تضعیف می‌کند. (Vatanka, 2018)

بنابراین ایشان در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام با اشاره به اقدامات آمریکا برای «تغییر محاسبات و تسلیم شدن مسؤولان» و نیز «فاصله گرفتن مردم از نظام» افزودند: «گزینه قطعی ملت ایران در مواجهه با دشمن، مقاومت در همه زمینه‌هاست، چرا که مذاکره با دولت کنونی آمریکا سمّ مضاعف است، البته جنگی نخواهد شد بلکه برخورد، برخورد اراده‌هاست و در این زمینه، اراده ملت ایران و نظام اسلامی قوی‌تر از دشمن است» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۲/۲۴). در همین راستا بر اساس اراده جبهه مقاومت، اعزام کشتی ایران به ونزوئلا، لبنان، توقیف کشتی انگلیسی و سرقت محموله نفتی در دریای عمان قابل تبیین است و آن کشوری که دارای اراده قوی‌تر می‌باشد و از برخورد ابائی نداشته پیروز این میدان خواهد بود.

#### ۴-۲- تفاوت نیروهای مسلح دو گفتمان

نیروهای مسلح دستگاه محاسبات توحیدی با ارتش‌های نظام سلطه؛ تفاوت ماهوی و ذاتی دارد. در نگاه امام‌خامنه‌ای در فلسفه و منطق نیروهای مسلح ایران تجاوز وجود ندارد. و هرگز هیچ جنگی را شروع نکردیم؛ اما دفاع، در جای خود محکم و قدرتمندانه است. اما ردّ پای جنایات ارتش‌های قدرتمند استکباری در این صد سال تقریباً در همه جای دنیا مشاهده می‌شود که مبتنی بر دستگاه محاسباتی آنها است.

ارتش انگلیس در شبه قاره‌ی هند... قلم‌های عجیبی از کشتار دسته‌جمعی... در منطقه‌ی شرق ... غرب آسیا... در بخشی از شمال آفریقا انجام دادند... همین کار نسبت به ارتش فرانسه وجود دارد... خاصیت ارتش‌های استکباری یک چنین خاصیتی است... آمریکا در ماه اوت ۱۹۴۵ با یک بمب

در شهر هیروشیما.. صد هزار نفر را کشت... سه روز بعدش در شهر ناکازاکی مجدداً یک بمب دیگر انداختند، پنجاه هزار نفر هم در آنجا کشته شدند... بمب اول کافی بود، این بمب دوم را چرا انداختید در ناکازاکی؟ جواب این است: بمب اول با اورانیوم ساخته شده بود، بمب دوم با پلوتونیوم ساخته شده بود، میخواستیم امتحان کنیم! ببینید، برای آزمایش بمب، جان ۱۵۰ هزار نفر در وهله اول نابود میشود، از بین میرود؛ طبیعت ارتش استکباری... این است؛ تفاوت ارتشها اینها است... (بیانات امام خامنه-ای، ۱۳۹۸/۸/۸)

بطور کلی از نگاه امام خامنه‌ای نظام سلطه به رهبری آمریکا با ارزش‌های انسانی و با انسانها چه می‌کند: هتک حرمت و حیثیت انسان‌ها، گرفتن جان انسان‌ها، نابود کردن هویت ملی انسانها برای آنها کاری عادی و معمولی شده، طوری که زشتی آنها را احساس نمی‌کنند. ملت‌ها هیچ راهی جز قوی شدن اعتماد به نفس، توکل بر خدا و توکل به نیروهای ذاتی خود ندارند. این قوی شدن فقط از جنبه نظامی نیست؛ ملت‌ها باید اراده، اقتصاد، دانش و پیشرفتهای گوناگون خود را پی در پی قوی کنند؛ اما تقویت نیروی دفاع از هویت و مرزهای یک ملت، یکی از مهمترین است، که امروز نیروهای مسلح ما این وظیفه را بر عهده دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۹/۳۰).

### ۴-۳- تمایز اهداف و ائتلاف دو گفتمان

آمریکا در صدد است نظام توازن قوا یا سیستمی از اتحاد قدرتها در غرب آسیا حاکم باشد که مبتنی بر بازی حاصل جمع صفر (بازی برد- باخت) است که همیشه بحران امنیتی در آن حاکم و از درون آن تنش، بی‌اعتمادی و جنگ بیرون می‌آید. اما تغییر و تحولات جدید در منطقه و افزایش نقش مردم در روند سیاستگذاری کشورها این فرصت را در اختیار نخبگان مسلمان و محور مقاومت داده تا با اتخاذ «دیپلماسی وحدت اسلامی» نظام سیاسی جدیدی را برای منطقه خاورمیانه ترسیم کنند.

بنابراین ائتلاف میان کشورهای نظام استکباری مانند آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیسم و حمایت آنها از برخی کشورهای منطقه مانند عربستان، بحرین، امارات صرفاً بر اساس مبنای و منابع مالی و با هدف فروش تسلیحات خودشان می‌باشد. اما اتحاد بین محور مقاومت ایدئولوژیک، دینی و مکتبی است همانند دیدار جبهه مقاومت از سید حسن نصرالله (لیک عاشورایی آن به رهبر انقلاب)، بشار اسد، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هئیت همراه، نایب رئیس دفتر سیاسی حماس و هیت همراه، دیدار خانواده شهید بدرالدین و شهید مغنیه با رهبر انقلاب و حضور مقتدی صدر در ایران که نشانه افول و سقوط نظام سلطه و صعود محور مقاومت است (روزنامه کیهان، ۱۳۹۸/۶/۲۰).

در این راستا برخلاف اهداف نظام سلطه در تقویت قدرت نظامی و امپراطوری خود با ایجاد

پیمانهای نظامی، دولت‌ها را از نظر نظامی تحت انقیاد خود در می‌آوردند محور مقاومت نه تنها بدنبال تشکیل امپراطوری، پیمانها و ائتلافها نظامی و گسترش سرزمین نبوده و نه به دنبال سلطه‌ای جهانی و تحمیل خود بر سایر ملل است بلکه روی حضور داوطلبانه گروه‌ها و جنبش‌های مردمی از سراسر جهان حساب باز کرده است و هدف‌گایی کمک به آزاد نمودن ملت‌های مستضعف دیگر از قید هر نوع سلطه استکبار می‌باشد تا با آگاهی بخشی ملت‌های دیگر به قدرت جمعی خود پی برده و علیه سلطه‌گران و دیکتاتورهای حاکم قیام کرده و سرنوشت خود را خود بدست بگیرند.

بطورکلی هدف غایی درگفتمان مقاومت تکلیف‌گرایی است و دفاع مردم محور و فرهنگ عاشورایی ساختمان تفکر مقاومت است که هر ملتی، حتی اگر دستش خالی باشد و عده اش کم باشد و در مقابل یک دشمن قرار بگیرد عاشورا به آن ملت تکلیف‌گرا می‌گوید؛ در این زمینه انسان تکلیف‌گرا دنبال نتیجه نیست اما اگر برای نتیجه جنگیدید حتما در حساب و کتاب دچار مشکل می‌شود. در این زمینه در سال اول جنگ تفکر حاکم بر دفاع از کشور تفکر لیبرالیسم بود (زمین بدهیم زمان بگیریم و اعتقادی به دفاع مردم محور نداشتند). بنابراین تفکر لیبرالی برجام و موشک را در مقابل معیشت مردم قرار می‌دهد به همین خاطر است که از جملات روی موشک، مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل خرده می‌گیرند. در صورتی که موشک برای روزی ساخته شده است که اگر وزنه نظامی جبهه مقاومت (شهید سلیمانی) ترور می‌شود، اقتدار پوشالی نظام محاسباتی غرب را به هم بزند.

#### ۴-۴- تمایز راهبردی دو گفتمان

با توجه به اینکه از منظر امام خامنه‌ای راهبرد نظام دموکراسی غرب تغییر نظام محاسبه جمهوری اسلامی ایران است و در این زمینه راه علاج دشمن اختلال در دستگاه محاسباتی با تهدید، تطمیع و ترساندن، ناامیدی ساختن مردم و بن بست‌های کاذب (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۳) دوراهی دروغین نجات (کنار آمدن با آمریکا) یا فلاکت (تحمل مشکلات و تحریم‌ها) و بزرگ‌نمایی معضلات اجتماعی (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱/۱) می‌باشد. بنابراین ایشان در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام با اشاره به اقدامات آمریکا برای «تغییر محاسبات و تسلیم شدن مسئولان» و نیز «فاصله گرفتن مردم از نظام» افزودند: «گزینه قطعی ملت ایران در مواجهه با دشمن، مقاومت در همه زمینه‌هاست، چرا که مذاکره با دولت کنونی آمریکا سمّ مضاعف است، البته جنگی نخواهد شد بلکه برخورد، برخورد اراده‌هاست و در این زمینه، اراده ملت ایران و نظام اسلامی قوی‌تر از دشمن است» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

دستگاه محاسباتی لیبرال دموکراسی غرب که دموکراسی راس‌ها نه رای‌ها است به سردمداری دولت تروریسم آمریکا در برابر گفتمان مقاومت استراتژی رویارویی را انتخاب کرد. در این راستا آرایش جنگی در سه حوزه مسؤلان، مردم و افکار عمومی جهان را راه‌اندازی کردند که از لحاظ سیاسی پیش از هر چیز تعادل روحی مسؤلان و اختلال در قوه فهم آنها در تصمیم‌گیری ایجاد کنند و اقدام هیجانی و احساسی اتخاذ و ایران جرقه ابتدایی را بزند. همچنین مردم را از نظام ناامید و ناراضی کنند و برای افکار عمومی جهان (گشایش پرونده تروریسم، حقوق بشر، برهم زنده صلح و ثبات خاورمیانه) اعلام کنند آمریکا آغازگر هیچ جنگی نیست و در داخل کشور ایران شکاف وجود دارد و مردم مقاومت نمی‌کنند. در این زمینه مردم دولت را وادار به تسلیم یا مذاکره نمایند.

همچنین الگوی رفتاری آمریکا با هدف حداکثرسازی منافع و افزایش هزینه‌های راهبردی ایران است. اما با توجه به راهبرد منطقه‌ای منحصر به فرد ایران شرایط برای خروج آمریکا از منطقه فراهم شده است. در این راستا مرکز CTC در مقاله‌ای تحت عنوان «قاسم سلیمانی و استراتژی منطقه‌ای منحصر به فرد ایران» که در مجله این مرکز در نوامبر سال ۲۰۱۸ انتشار یافته است؛ بیان می‌کند که قاسم سلیمانی بنیانگذار استراتژی بی‌نظیر تلفیق مبارزه و دولت است. این استراتژی در لبنان، سوریه، عراق و یمن در پیش گرفته شده است. معمار اصلی این سیاست را قاسم سلیمانی میدانند. سلیمانی بیش از هر کس دیگر ایجاد کننده هلال شیعه می‌باشد (sufan,2018)

بنابراین با اجرای راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی تراز گام دوم، نظم امنیتی با محوریت ایران اسلامی بزرگ در غرب آسیا بر نظم‌های فرماندهی غلبه خواهد کرد. در همین راستا، «سوزان-مالونی» کارشناس اندیشکده اطلاعاتی «شورای آنالیتیک» پنج عامل «میراث فرهنگ امپراتوری ایرانی»، «اسلام شیعی»، «مقاومت و مبارزه با امپریالیسم»، «سیاست‌های داخلی» و «ارتقای امنیت ملی» را برای گسترش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران برمی‌شمارد. بر این مبنا «میراث فرهنگ امپراتوری-ایرانی» سبب می‌شود دیدگاه «تسلط ذاتی ایران» بر منطقه تثبیت شود و تفکر راهبردی جمهوری اسلامی ایران از این «غرور ملی» الهام و از قدرت «بسج‌گری اسلامی» استفاده می‌کند، در حالی که «ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی، نظامی و سایر خصوصیت‌های ایران مدرن نیز پیش از پیش دیدگاه ناظر بر حق تفوق ایران در منطقه را تقویت می‌کند» (Maloney,2017).

#### ۴-۵- تمایز رهبری دو گفتمان

تفاوت فوق در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تبیین است: در سطح ملی قبل از

انقلاب اسلامی در زمان جنگ دوم جهانی در ۶ آذر سال ۱۳۲۲ ه.ش «روزولت» رئیس‌جمهور آمریکا، «چرچیل» نخست‌وزیر انگلیس و «استالین» رهبر شوروی بدون اطلاع شاه ایران یکی از کنفرانس‌های چندگانه‌شان را در تهران برگزار کردند. علت تشکیل این کنفرانس در تهران به پیشنهاد استالین بود و ملاقات نیز در محل سفارت شوروی برگزار شد. محمدرضا شاه نیز برای شرکت در کنفرانس ناگزیر شد به محل سفارت برود، اما در جریان کنفرانس، چرچیل و روزولت حاضر نشدند به دیدار شاه بروند و با وی تنها در محل سفارت دیدار کردند. (سایت خبرآنلاین ۱۳۹۸/۹/۸)

اما بعد از انقلاب اسلامی، پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، کارتر رئیس‌جمهوری آمریکا «رمزی کلارک» و «ویلیام میلر» را برای ملاقات با امام خمینی به ایران اعزام داشت. نمایندگان اعزامی در حالیکه به ترکیه رسیده بودند و خود را برای سفر به ایران آماده می‌کردند، پیام حضرت امام صادر شد و آنان بدون اخذ نتیجه به آمریکا باز گشتند. پیام کوتاه و مختصر حضرت امام بلافاصله در جهان و رسانه‌های گروهی بین‌المللی انعکاس گسترده و کم نظیری یافت. حضرت امام در در آن اطلاعیه در ۱۶ آبان ۱۳۵۸ هیأت آمریکایی را نپذیرفتند و به همه اعضای شورای انقلاب، هیأت دولت موقت و سایر مسئولین تذکر دادند که هیچ کس حق ملاقات با این هیأت آمریکایی را ندارد. نکته قابل توجه در این اعلامیه آن است که این تنها اعلامیه حضرت امام است که بدون «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» است همانند سوره براءت در قرآن کریم. (صحیفه امام، ج ۱۰، ۵۰۳)

در این راستا امام‌خامنه‌ای در دیدار با نخست‌وزیر ژاپن در سال ۱۳۹۸ فرمودند: ما در حسن نیت و جدی بودن شما تردیدی نداریم اما در خصوص آنچه از رئیس‌جمهور آمریکا نقل کردید، من شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داد. (بیانات امام‌خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۸/۲۳) البته ترامپ با تحریم بخش پتروشیمی، تروریستی قلمداد کردن سپاه، تعیین شروط دوازده‌گانه همزمان با حضور «آبه‌شینزو» نخست‌وزیر ژاپن در ذیل استراتژی، فشار-مداکره-سازش موجبات عقیم‌سازی سفر ایشان را در نطفه فراهم ساخت.

در سطح منطقه با توجه به اینکه جمهوری اسلامی بر پایه نظام ولایت مطلقه فقیه پایه‌گذاری شده است که در نوع خود در جهان منحصر به فرد می‌باشد و شخصیت‌هایی همچون قاسم سلیمانی که اعتماد کامل به ولایت فقیه داشت تبدیل به شخصیت منحصر به فرد شد. در این زمینه مایکل نایتز کارشناس خلیج فارس در مؤسسه واشنگتن با سال‌ها تجربه کاری با آژانس‌های انتظامی و امنیتی در عراق و خلیج فارس در گزارشی به شبکه **cnbc** می‌گوید: «قاسم سلیمانی یک شخصیت منحصر به

فرد است ما هیچ کس مانند او را در آمریکا نداریم و از آنجا که فرد بسیار با تجربه و توانمندی بود و اعتماد کامل به ولی فقیه ایران داشت، بسیاری از توانمندی‌ها در یک فرد متمرکز شده بود» (Aljazeera, 2020) در این زمینه هدف تروریسم دولتی ترامپ در سیاست خارجی در بازی با محور مقاومت تثبیت وضعیتش در خاورمیانه بود اما اقدام تروریستی آنها زوال ژئوپلیتیکی بیشتر آنها را فراهم کرد.

در سطح بین‌المللی بخشی از اُبّهت ابرقدرتها به بلوف بستگی دارد و آنها نمی‌توانند شاهد شکست خود در طول زمان باشند همانند تصور اغراق‌آمیز از قدرت انگلیس بدنبال بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶م به هم ریخت یا چهره شوروی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰م درهم شکست. یا از دیدگاه «فرانسیس فوکویاما» نظریه پرداز و متخصص روابط بین‌الملل آمریکایی طی یادداشتی نوشت: «به نظر می‌رسید که تصاویر وحشتناک افغان‌های ناامید برای خروج از کابل پس از فروپاشی دولت مورد حمایت غرب، نشان دهنده یک مقطع بزرگ در تاریخ جهان است، زیرا آمریکا از جهان رویگردان شده است. با این حال در حقیقت، پایان دوران آمریکا خیلی زودتر از موعد رسیده بود. سرچشمه‌های قدیمی ضعف و افول آمریکا بیشتر داخلی است تا بین‌المللی... اینکه [آمریکا] چقدر [در جهان] تأثیرگذار خواهد بود به توانایی آن در حل مشکلات داخلی بستگی دارد تا سیاست خارجی‌اش. فوکویاما در ادامه بزرگترین شکست سیاستی دولت «جو بایدن» در سال اول ریاست‌جمهوری‌اش را ناتوانی آن در برنامه‌ریزی مناسب برای جلوگیری از فروپاشی سریع افغانستان دانست (<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2007757>).

### ۵- آینده گفت‌وگوهای مقاومت اسلامی و گفت‌وگوهای نظام سلطه

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، با نگاهی آینده‌نگرانه، در ترسیم مشکلات آتی نظام اسلامی به ادامه چالش‌های انقلاب با مستکبران اشاره داشته و چالش امروز با انظام سلطه را نه با مشخصات گذشته بلکه با مولفه‌های جدید دانسته‌اند. اقتدار ایران و حضور در مرزهای رژیم صهیونیستی، برچیده شدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا، حمایت ایران از محور مقاومت، از جمله این مولفه‌های جدید است. ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب

سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب میبندد و البته باز هم در رویارویی، شکست میخورد.

بطور اساسی، ماهیت رویارویی نظام سلطه با گفتمان مقاومت بعد از خروج آمریکا از برجام، مبتنی بر فشار جامع و همه‌جانبه است مهم‌ترین عواملی که منجر به تبلور استراتژی هزار زخم در معادلات استراتژیک آمریکا و رژیم اشغالگر صهیونیستی شده است، تغییرات سریع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک (به ضرر منافع آمریکا و صهیونیسم) و انتقال قدرت به شرق و شکل گرفتن اتحاد قدرت‌های مخالف آمریکاست. اخیراً «نفتالی بنت» (طرح پیشنهادی مرگ با هزار ضربه چاقو) علیه ایران) نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس در دیدار با «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا، به صورت صریح و آشکار از این استراتژی پرده برداشت. همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم، واشنگتن و تل‌آویو ابایی از «آشکارسازی استراتژی هزار زخم» ندارند. آنها قصد دارند ایران را در همه ابعاد و زوایا تحت فشار قرار دهند. عمیقاً بر این باوریم استراتژی هزار زخم نیز مانند استراتژی فشار همه‌جانبه - که از دوران ریاست‌جمهوری ترامپ تاکنون شاهد آن هستیم - محکوم به شکست خواهد بود، به شرطی که در مواجهه با آن، دفاعی قاطعانه، هوشمندانه و همه‌جانبه انجام شود. بنابراین برنامه هزار خنجر در داخل و خارج ایران بر محورهایی همچون: حداکثرسازی فشارهای اقتصادی و تحریمی، اقدامات تروریستی و ترور شخصیت‌ها (مانند ترور سردار حاج قاسم سلیمانی و دکتر محسن فخری‌زاده، صیاد خدایی)، اقدامات ضدامنیتی و حمله به اماکن مهم و راهبردی (مانند حمله به تاسیسات هسته‌ای نطنز، تاسیسات هسته‌ای در کرج، حمله پهپادی ناموفق به مرکز تولید واکسن برکت و...)، تلاش برای فعال‌سازی گروهک‌های ضد انقلاب (در کردستان عراق با حملات موفق پهپادی سپاه بطورجدی این تلاش سرکوب شد)، تلاش برای درگیرسازی ایران در مناطق مرزی و در ارتباط با همسایگان (قضیه پنجشیر و آذربایجان و ارمنستان)، حملات سایبری به سیستم راه آهن، زندان اوین و سامانه توزیع سوخت کشور، سواستفاده از تجمع زارعین و کشاورزان زاینده رود و عده آشوبگر که از قبل استخدام کردند، دزدی نفتکش ایران در خلیج فارس توسط آمریکاییها، توقیف نفتکش ایرانی در



یونان و تحویل نفت به امریکا می‌توان اشاره کرد.

با توجه به اینکه گفتمان نظام سلطه از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در جنگ سخت، جنگ نرم، راهبرد نفوذ و جنگ ترکیبی شکست خورده است در این راستا بر اساس نظام سلطه راهبرد تجاوز، تغییر نظام محاسبه و اختلال در دستگاه محاسباتی جبهه مقاومت بر مبنای جنگ شناختی در اولویت قرار داده است تا بتواند همانند فروپاشی شوروری از دریچه لتونی (پایتخت آن ریگا هست)، جمهوری اسلامی ایران را از دریچه امارات متحده عربی دچار اختلال و فروپاشی کند. در زمینه جنگ شناختی مردم نسبت به ایران و جبهه مقاومت دچار تردید و خطای محاسباتی می‌شوند و نظام جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت اسلامی فرو می‌پاشد. بدون شک اصلی‌ترین دغدغه دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی، صیانت از کشور در برابر جنگ شناختی نظام سلطه است. مهم‌ترین پیش‌شرط مهار و ختشی‌سازی راهبرد دشمن، رصد هوشمندانه آن در ابعاد راهبردی و تاکتیکی است. در این باره، باید تحلیل واقع‌بینانه‌ای از گذشته، حال و آینده داشته باشیم. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی، همین ذهنیت و محاسبه‌گری استراتژیک و نظام‌مند بود. اگر چنین رصد هوشمندانه‌ای نشود یا مرز میان «استراتژی‌ها» و «تاکتیک‌های دشمن» در جنگ شناختی خلط شود، قطعاً در محاسبات راهبردی و تاکتیکی خود در قبال کنش چندلایه دشمنان دچار خطای محاسباتی خواهیم شد. اتفاقاً یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های دشمنان، ایجاد و القای همین خطای شناختی و محاسباتی در گفتمان مقاومت است.

بطورکلی از آینده تقابل جبهه مقاومت با نظام سلطه چند سناریو احتمالی قابل طرح هست: یکی اینکه کاهش و اخراج نظام سلطه به رهبری امریکا از منطقه باعث می‌شود رژیم جعلی صهیونیسم به دلایل مختلف نگران باشد؛ با توجه به اینکه اسرائیل حاضر به قبول یک کشور فلسطینی در کنار خود نیست و خلاء امریکا در منطقه باعث نزدیکی کشورهای عربی و فلسطین به یکدیگر می‌شود و این سناریو بعید نیست چرا که امریکا دچار اختلافات داخلی است و این تحول داخلی باعث افول خارجی امریکا به همراه دارد که می‌تواند به عقب کشیدن امریکا از حمایت بی‌قید و شرط اسرائیل منجر شود. از سوی دیگر با هسته‌ای شدن یک کشور مسلمان مانند ایران، دیگر کشورهای مسلمان می‌توانند از این دانش هسته‌ای صلح‌آمیز استفاده کنند و با دخالت نکردن امریکا هسته‌ای شدن منطقه به شکل زنجیره‌ای عملیاتی خواهد شد.

سناریوی دوم اینکه حضور قوی امریکا در منطقه غرب آسیا به تنهایی تضمین منافع اسرائیل را

دربرندارد، چرا که پایداری جبهه مقاومت اسلامی سبب خواهد شد که آنها با عزم و اراده و با اعتماد به نفس بیشتری با اسرائیل برخورد کنند و از سوی دیگر معامله قرن و قرارداد هسته‌ای با ایران کافی نیست و می‌تواند به سرعت فرو ریزد، زیرا ایران غنی‌سازی را برای همیشه کنار نمی‌گذارد و برد موشک‌های خود را محدود نمی‌سازد تا به مرزهای اسرائیل نزدیک باشد. در این زمینه امریکا برای اینکه خلاء قدرت در منطقه شکل نگیرد و جبهه مقاومت، روسیه و چین آن را پر نکنند حضور نظامی در منطقه را افزایش خواهد داد. اما در این راستا امریکا با توجه به تضاد منافع با قدرتهای بزرگ با متحدان خود در غرب آسیا دچار تضاد منافع خواهد شد و شاهد صدمه به خود و متحدانش می‌گردد.

## ۶- نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث فوق، نتایج تحقیق را می‌توان در قالب نکات زیر خلاصه کرد:

- نظریه‌ی مقاومت نفی هزینه‌های سنگین سازش و پذیرش هزینه منطقی دفاع از عزت ملی که البته متکی بر منطق عقلی، دینی و علمی بوده و هیچ‌گاه احساسی و انفعالی انجام نمی‌شود. در این مقاومت از همه ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خشی‌سازی ضربات و وارد کردن ضربه‌های سخت و غافلگیر کننده به دشمن برای تصحیح محاسبات غلط و یادآوری خسارتها و افزایش هزینه‌های سنگین به دشمن و متحدینش و اجازه اجماع‌سازی از او سلب می‌شود. در صورتی که هزینه جنگ کم پیش‌بینی شود و مدت زمان جنگ طولانی نباشد دشمن را برای جنگ جسورتر می‌کند. در این راستا الگوهای مواجهه آمریکا با کشورهای، عراق و لیبی، مصر و پاکستان، عربستان، کره شمالی و کوبا در چهل سال گذشته چراغ راه محور مقاومت است. از سوی دیگر آمریکا جهان را برای خودش می‌داند و دولت- ملت را جهانی و دولت جهانی را آمریکا و ملت جهانی را سازمان ملل می‌داند و جهان به مناطق مختلف تقسیم کرده است. اما آمریکا با کدام الگوی منطقی جهان را تقسیم کرده و چه کسی به آن این اجازه را داده که سلطه‌گری نماید. در مقابل مقاومت فعال، راهبرد ایران در گام دوم انقلاب اسلامی است که در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باعث کنار زدن سایه جنگ، تبدیل تهدید به موقعیت و فرصت و افول هژمونی نظام استکبار را در پی دارد. همانگونه که «استفن والت» نظریه‌پرداز واقع‌گرا این چنین جمع‌بندی می‌کند: «آمریکا دیگر نه می‌تواند بر کل جهان حکم براند و نه می‌تواند آن را آن‌گونه که خود می‌خواهد و متناسب با منافع خود، رهبری کند؛ چرا که لحظه تک قطبی به دلایل زیادی با پایان زودرس مواجه شده است.» (Walt, 2014)

- نزاع جبهه مقاومت به رهبری ایران و نظام سلطه به رهبری امریکا همانند نزاع آمریکا با

شوروی و کره شمالی از جنس مادی نیست بلکه در پس زمینه خود یک ایدئولوژی غیرمادی را پنهان کرده است که در حوزه‌های دستگاه محاسباتی، رهبری، راهبرد، اتحاد و ائتلاف، نیروهای مسلح و اهداف با هم تفاوت اساسی دارند. در این راستا راهبرد مقاومت فعال و دفاع مشروع راهکار ایران در برابر راهکار نظام سلطه؛ راهبرد تجاوز و مرگ با هزار ضربه چاقو، تغییر نظام محاسبه و اختلال در دستگاه محاسباتی ایران و مقاومت اسلامی است. به عبارت دیگر تلقی و تصور از دستگاه محاسبات توحیدی بر منابع و معارف اسلامی است و گفتمان انقلاب اسلامی بر بستر اندیشه امام خامنه‌ای معطوف به نظریه امام خمینی «ره» و آموزه‌های دینی و ارزش‌های والای الهی و انسانی، اساس تصمیمات راهبردی جمهوری اسلامی (مانند راهبرد مقاومت فعال و دفاع مشروع) در عرصه دستگاه محاسبات است.

بنابراین حمله ایران به پایگاه عین‌الاسد آمریکا بعد از شهادت شخصیت منحصر به فرد سلیمانی، در راستای عزت‌ملی یا راهبرد منحصر به فرد مقاومت فعال است که باعث می‌شود دشمن از سیاستهای تهاجمی خود کوتاه بیاید. البته بعد از جنگ دوم جهانی هیچ کشوری جرات حمله به پایگاه‌های آمریکا را نداشت. همچنین آمریکا بر اساس عقلانیت‌استراتژیک برای تغییر نظام ایران فعلا راهبرد جنگ شناختی را به جای جنگ نظامی انتخاب کرده است چرا که کانون نفرت در جنگ نظامی بیشتر متمرکز بر روی دشمن، اما در جنگ شناختی همه ایران و جبهه مقاومت در تیررس است. بطورکلی اگر جبهه مقاومت نبود امروز اثری از دولت‌های ایران، عراق، سوریه، لبنان، یمن و... نبود، کما اینکه آمریکایی‌ها با پیگیری مجدانه تحریم‌های اقتصادی برای هر یک از اعضای جبهه مقاومت، برنامه منسجمی برای فروپاشی اقتصادی آنان دنبال کرده‌اند. البته یکی از دلایل افول هژمونی آمریکا در تحریم گفتمان مقاومت نهفته است چرا که تحریم دلاری ایران این پیام را به دنیا فرستاد که آمریکا قدرت تحریم دلاری دارد و همین باعث شد برخی کشورها مثل روسیه و چین تصمیم بر کنار گذاشتن دلار گرفتند. بطور اساسی افول مرحله‌ای استکبار آمریکا در غرب آسیا را باید در «تقویت جبهه مقاومت اسلامی» «مداخلات ژئوپلیتیکی پرهزینه»، «کاهش وزن اقتصادی آمریکا»، «کاهش موفقیت‌های تاکتیکی آمریکا بخاطر ایجاد بحرانهای منطقه‌ای، افزایش مداخله‌گرایی، گسترش یک‌جانبه‌گرایی و جنگ‌های بی‌پایان در محیط منطقه‌ای غرب آسیا»، «ظهور چین در اقتصاد منطقه‌ای» جستجو نمود.

با توجه به تحمیل مرزهای سیاسی بر کشورهای اسلامی توسط نظام سلطه و به عبارت دیگر

رقابت بر سر هژمونی در درون گفتمان اسلامی و برون گفتمانی بین گفتمان اسلام و نظام سلطه، گره گور غرب آسیا را تشکیل می‌دهد، در این راستا لازم است درون گفتمان اسلامی به خصوص کشورهای ایران، عربستان و ترکیه دست از رقابت هژمونی بردارند و با یک پیمان یا برنامه جامع اقدام مشترک، گفتمان نظام سلطه را کنار بزنند و امنیت، صلح و ثبات را برای غرب آسیا فراهم کنند. چرا که غرب آسیا هژمونی پذیر نیست و قواعد خاصی بر آن حاکم است که کشورهای بریتانیا، آمریکا، شوروی، مصر، ناصریسم، حزب بعث، جمهوری اسلامی، ترکیه و عربستان نتوانسته‌اند هژمونی بر آن حاکم کنند.

## کتابنامه

قرآن کریم.

- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- حسینی زاده، محمد علی. (۱۳۸۵). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: مفید.
- حقیقت، صادق. (۱۳۸۵). *روش شناسی در علوم سیاسی*. قم: مفید.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴/۰۹/۳۰). *بیانات در مراسم مشترک دانشگاه‌های افسری ارتش*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱/۰۵/۰۳). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵/۰۱/۰۱). *بیانات امام خامنه‌ای در حرم مطهر رضوی*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۰۸/۱۲). *بیانات در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۸/۲۳). *بیانات / در دیدار با نخست وزیر ژاپن*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۲/۲۴). *بیانات در دیدار مسئولان نظام*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۱۱/۲۳). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۳/۱۴). *بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)*.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۸/۰۸). *بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش*.
- دیوبتاک، ریچارد. (۱۳۹۱). *نظریه انتقادی مندرج در روابط بین الملل*. (حمیرا مشیرزاده و روح‌اله طالبی آرائی). تهران: میزان.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نشر نی.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری. (۱۳۸۷). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. (هاجر یوسفی). تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- زارعی، سعدا... (۱۴۰۰/۰۹/۱۲). "افق فراروی جبهه مقاومت در منطقه".
- <https://kayhan.ir/fa/news/231351>
- سایت خبرآنلاین. ۱۳۹۸/۹/۸.
- سایت برهان. ۱۳۹۵/۱۰/۱۵.
- هرسیچ، حسین. (۱۳۸۰). "روش مقایسه‌ای: چستی، چرایی و چگونگی بکارگیری آن در علوم سیاسی". *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*. دوره سیزدهم، ش ۱.

- Aljazera. (2020). "who was qasem soleimani,irans IRGEs quds force leader?".3 jan.
- Maloney, Suzanne.(2017). "The Roots and Evolution of Irans Regional Stratgy." *Atlantic council*.
- Schweller, Ronald.(1998). "Deadly Ibalances." NewYork:Columbia university press.
- Vatanka, alex. (2018). "irans use of shi I militant proxies." *Middie East Institute*.
- Walt, Stephen M.(2014). "the Bad old Days Are Back." *Foreign Policy*.2may, Available at:[http://www.Foreignpolicy.com/articles/2014/5/2/the\\_bad\\_old\\_days\\_are\\_b\\_ack\\_china\\_us\\_rus\\_sia\\_power\\_politics\\_realism](http://www.Foreignpolicy.com/articles/2014/5/2/the_bad_old_days_are_b_ack_china_us_rus_sia_power_politics_realism).
- Sufan,ali qasem soleimani and irans unique regional strategy. CTCsentinel, november2018volume11,issue10  
<https://ctc.usma.edu.http://irdiplomacy.ir/fa/news/2007757>.